معضلی که باید ریشه آن را در سیاستگذاری‌های بدون آسیب‌شناسی جستجو کرد؛

گسترش مهاجرت از نخبگان به همگان

حسین جمشیدیان

شاید زمانی که دکتر حسین عبده تبریزی، چهره سرشناس علم اقتصاد در آذرماه ۱۳۹۶، در نشست «صلح، اقتصاد و چالش‌های فقر انجمن جامعه‌شناسی ایران» ابعاد مربوط به مهاجرت را گسترده و ترسناک دانست و اعلام کرد: «مهاجرت ایرانیان حالا از نخبگان فراتر رفته و به حیطه همه سطوح متخصصان کشیده است.» خود او نیز تصور چنین روزهایی را در مورد روند رو به رشد مهاجرت از کشور به ذهن راه نمی‌داد. در آن زمان (سال ۱۳۹۶) او اعلام کرد که اطلاعات نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر ۱.۵ میلیون ایرانی مهاجرت کرده‌اند یا در صف مهاجرت کشورهایی چون استرالیا و کانادا ایستاده‌اند. این‌ها اعداد ترسناکی است. خروج نیروهای کارشناسی و نیروهای ورزیده به اقتصاد ملی آسیب می‌زند و یکی از دلایل تهیدست شدن ایرانیان مهاجرت نیروهای نخبه است.

موج مهاجرت از کشور که تا همین چند سال پیش، به قشر خاصی منسوب به «نخبگان» با انگیزه‌هایی متفاوت، از ادامه تحصیل تا تجارت و ... محدود می‌شد، حالا دیگر مرزهای محدودیت را درهم شکسته است. ماجرای مهاجرت دیگر قشر خاصی نمی‌شناسد و فراتر از نخبگان اعم از علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به قشرهای معمولی و بعضا فرودست جامعه نیز کشیده شده است. روندی که به اذعان برخی کارشناسان پا را از نگرانی فراتر گذاشته و ترسناک شده است. واقعیت امر آنکه، آمار رسمی مهاجرت از کشور به ویژه در بخش نخبگان، هیچگاه قابل اتکا نبوده است با این وجود در برخی مواقع آش آنقدر شور شده که خود متولیان نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کرده‌اند. برای نمونه مهاجرت کادر درمان به ویژه در بخش پرستاران اگرچه از سال‌های گذشته شنیده می‌شد، اما بروز بحران کرونا و نیاز مبرم به پرستاران باتجربه و کارآمد، زنگ خطری جدی را برای مهاجرت این سرمایه‌های ارزشمند کشور به صدا درآورد. به تازگی دکتر منصور جعفری نمین، رئیس شورای عالی نظام پزشکی ایران، افزایش روزافزون مهاجرت متخصصان رشته‌های مختلف پزشکی به خارج از کشور را نگران کننده خواند و خواستار چاره‌اندیشی برای توقف روند آن شد. وی گفته است برخی از این پزشکان و متخصصان مهاجر را کشورهای همسایه ایران جذب کرده‌اند و من از آن روزی می‌ترسم که شهروندان ما برای دریافت خدمات پزشکی کیفی، به کشورهای همسایه مراجعه کرده و از دست پزشک ایرانی مهاجر، این خدمات را دریافت کنند.

موج مهاجرت حقیقی و مجازی متخصصان IT

محمدرضا فرجی تهرانی، رئیس اتحادیه فناوران رایانه تهران نیز در گفت و گویی که با روزنامه «شرق» انجام داده، نسبت به موج مهاجرت متخصصان IT ایران به امارات و قطر هشدار داده است.

کارشناس علوم اجتماعی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: یکی از مهمترین دلایل افزایش روند مهاجرت، کاهش اعتماد اجتماعی است. به عبارت دیگر، کاهش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن کاهش سرمایه اجتماعی، یک عامل کلیدی برای افزایش تمایل به مهاجرت از ایران در سال‌های اخیر است

هشدار روح‌الله دهقانی فیروزآبادی، رئیس سازمان جهاد دانشگاهی است که با انتقاد از روند رو به رشد مهاجرت نخبگان، اعلام می‌کند که این رویه اکنون در سایه حمایت‌هایی که از شرکت‌های دانش‌بنیان در کشورهای دیگر به ویژه کشورهای همسایه و عربی می‌شود و در غفلت مسئولان، به مهاجرت دسته‌جمعی نخبگان در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان رسیده است.

اینکه تا چه حد به کار بردن اصطلاح شکار مغزها درست باشد را که کنار بگذاریم، انتشار اخباری در مورد سرایت تمایل به مهاجرت در میان دانش‌آموزان تیزهوش و استعدادهای برتر تامل‌برانگیز می‌شود. جایی که به اذعان روزنامه رسالت، «شکار مغزها» از المپیادی‌ها و نفرات برتر کنکور به دبیرستانی‌ها رسیده است.

فارغ از آمارهای رسمی و غیررسمی، کم نیستند در دایره دوستان و آشنایان دور و نزدیک که کل اعضای خانواده یا حداقل فرزندانشان، به دار و ندار خود چوب حراج زده‌اند و به بهانه‌های مختلف، مهاجرت کرده‌اند یا قصد مهاجرت دارند.

«ناکارآمدی و سیاست‌های غلط» منشا مهاجرت

بدون شک هریک از ما قادر به بیان هزار و یک دلیل برای روند روبه رشد مهاجرت خواهیم بود و به دنبال آن هستند کسانی که هزار و یک توجیه برای عدم موافقت خواهند داشت. ولی آنچه در این میان اهمیت دارد، این است که بدانیم مهاجرت افسارگسیخته، آن هم برای کشوری در حال توسعه، خطراتی جبران‌ناپذیر دارد. از همین رو توجه به هشدارها و آسیب‌شناسی دلایل این معضل و چاره‌اندیشی برای آن، تکلیف مهم نهادهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیر کشور است.

افزایش مهاجرت متاثر از کاهش سرمایه‌های اجتماعی است

مهدی نجفی‌خواه، دانش‌آموخته علوم اجتماعی در مورد علل رشد روند مهاجرت به «توسعه ایرانی» می‌گوید: آسیب‌شناسی معضل مهاجرت، پیچیده است و بستگی دارد از کدام منظر به آن بنگریم. در سال ۱۳۵۳ نخستین پیمایش ملی کشور با عنوان گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی منتشر شد که بسیار ارزشمند بود. این پیمایش در سال ۱۳۸۳ توسط گودرزی و عبدی، تکرار شد. براساس آن، یکی از موارد جدی که مورد بحث قرار گرفته است؛ موضوع اعتماد اجتماعی است که در آن از روند کاهشی میزان اعتماد اجتماعی خبر داده است. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دلایل افزایش روند مهاجرت همین کاهش اعتماد اجتماعی است. چرا که کاهش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن کاهش سرمایه اجتماعی، یک عامل کلیدی برای افزایش تمایل به مهاجرت از ایران در سال‌های اخیر است.

به گفته نجفی‌خواه، بدون نگاه پژوهش‌محور و با مشاهده برآیند واکنش جامعه به اظهارات مسئولان در شبکه‌های اجتماعی، کاهش آمار مشارکت‌کنندگان در انتخابات و امور عمومی، نارضایتی از تصمیمات یک‌شبه با تاثیرات عمیق معیشتی، عدم پذیرش مسئولیت و پیامد تصمیمات از سوی مسئولان و خلف وعده‌ها هم می‌توان دریافت که اعتماد اجتماعی در شرایط خوبی قرار ندارد.

عواقب وخیم عدم آسیب‌شناسی در سیاستگذاری

اما قمر تکاوران، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» معتقد است در بررسی معضل مهاجرت، اطلاعات آماری دقیقی وجود ندارد و اینکه اعلام کنیم برای مثال موضوعاتی مانند کاهش سرعت اینترنت و گرانی و طرح عفاف و حجاب، درصد مشخصی بر مهاجرت تاثیرگذار بوده است، مبنای درستی ندارد و بیشتر به درد جلب توجه رسانه‌ها می‌خورد نه سیاستگذاری.

در عین حال وی تاکید دارد که این بدان معنا نیست که این سیاست‌ها در افزایش روند مهاجرت موثر نیست، قطعا موثر است اما میزان آن با معیارها و روش‌های آماری که تاکنون انجام شده است، درست نیست.

به گفته تکاوران، با این وجود، شاید به لحاظ آماری، اطلاعات درستی نداشته باشیم ولی زمانی که به لحاظ کیفی به بررسی شرایط می‌پردازیم، درمی‌یابیم که نه فقط در ایران بلکه همه جای دنیا، دافعه‌های مبدا وقتی زیاد شود، طبیعتا مهاجرت افزایش می‌یابد. به عبارتی وقتی اوضاع اقتصادی روز به روز بدتر و تورم و بیکاری افزایش یابد و جامعه به ویژه نخبگان نتوانند جایگاه و سطح رفاهی که می‌خواهند را به دست آورند، جلای وطن خواهند کرد.

پژوهشگر اجتماعی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: اینکه فکر کنیم اظهار نظر فلان مجری یا فلان مسئول آنقدر تاثیرگذار است که مردم به خاطر آن مهاجرت می‌کنند، سطحی‌نگری است و بحث کلان‌تر از این حرف‌هاست. ایراد اصلی را باید در سیاست‌گذاری بدون آسیب‌شناسی جستجو کرد

این پژوهشگر اجتماعی در عین حال تاکید می‌کند: اینکه فکر کنیم اظهار نظر فلان مجری یا فلان مسئول آنقدر تاثیرگذار است که مردم به خاطر آن مهاجرت کنند سطحی‌نگری است و بحث کلان‌تر از این حرف‌هاست. بلکه ایراد اصلی را باید در اجرای سیاست‌ها و تاثیرات آن یافت. چرا که موضوع سیاست‌ها فرق می‌کند. سیاست‌ها اگر تایید و اجرایی شوند، تاثیر مستقیم خود را در زندگی مردم می‌گذارند. این امر چه بر ایرانی‌ها و چه مهاجرانی که در ایران زندگی می‌کنند تاثیرگذار است.

وی توضیح می‌دهد که مهاجرین هم وقتی با محدودیت خدمات‌دهی و نبود چشم‌انداز روشنی مواجه می‌شوند، از ایران به جای دیگری مهاجرت می‌کنند.

اما آیا سیاستگذار متوجه نمی‌شود که سیاست‌هایش موج مهاجرت را تشدید می‌کند؟ این سوالی است که تکاوران اینگونه به آن پاسخ می‌دهد: این موضوع را باید به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری واگذار کرد. به عبارتی زمانی که سیاستگذار قصدی برای اجرای یک سیاست، به قصد تغییر یا بهبود شرایط، دارد باید روند مشخصی را طی کند. نخستین گام، پژوهش است تا شناخت کافی از مسئله و تاثیرات اجرای یک سیاست مشخص شود. وقتی این روند به درستی طی نشود، مسلما سیاستگذار نیز به تبعات تصمیم خود واقف نخواهد بود.

به گفته این پژوهشگر اجتماعی، سیاست‌گذار باید مشاورهایی تخصصی را در کنار خود داشته باشد تا واقع‌بینانه و بدون سوگیری‌های سیاسی، اطلاعاتی درست و شفاف را در اختیار وی قرار دهند. موضوعی که به نظر جای خالی آن در سیاستگذاری‌های ما احساس می‌شود. وی هشدار می‌دهد: عدم اشراف و ناآگاهی از علل و تبعات مهاجرت مخصوصا زمانی که طیف‌های مختلف افراد جامعه را شامل شود، عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت.

روایت یک روز عجیب و تاریخی در فدراسیون فوتبال

تاج بر سر!

آریا رهنورد

اگر می‌خواهید بدانید که چرا فوتبال ایران در مسیر درستی قرار نمی‌گیرد و شبیه فوتبال در کشورهای حرفه‌ای نمی‌شود، کافی است ماجرای چند ساعت پایانی منجر به انتخابات فدراسیون فوتبال را مرور کنید. آن‌چه در روند انتخاب رئیس جدید رقم خورد، حیرت‌آور و باورنکردنی به نظر می‌رسید. این روند عجیب، در نهایت دوران تازه‌ای از ریاست مهدی تاج را در فوتبال ایران رقم زد. خالق قرارداد ویلموتس، حالا دوباره تصمیم‌ساز اصلی فوتبال ایران است.

مناظره‌ای بین دو بازنده

شب برگزاری انتخابات دو نامزد از بین سه نامزد ریاست فدراسیون فوتبال در تلویزیون حاضر شدند تا مناظره‌ای را در این خصوص برگزار کنند. جالب اینکه مهدی تاج با ارسال نامه‌ای به شبکه سوم، اعلام کرد که به خاطر همزمانی با یک جلسه دیگر، در مناظره شرکت نخواهد کرد. در واقع این، مناظره‌ای بین دو بازنده احتمالی در رقابتی بود که برنده‌اش از مدت‌ها قبل مشخص به نظر می‌رسید. تاج همه رایزنی‌های لازم برای انتخابات را انجام داده بود و قرار دادن نبی در پست نایب‌رئیس اول نیز به نوعی پرونده مجمع را بست. چرا که نبی در همه مجمع‌های انتخاباتی برنده بوده و اساسا به خوبی می‌داند که چطور از قدرت لابی برای جهت دادن به انتخابات استفاده کند.

لغو تکان‌دهنده، بازگشت تکان‌دهنده‌تر

ساعت ۴۶ دقیقه بامداد روز سه‌شنبه و چند ثانیه بعد از پایان مناظره تلویزیونی، ناگهان خبر عجیبی روی خروجی فدراسیون فوتبال قرار گرفت. خبری که از لغو مجمع هشتم اردیبهشت حکایت داشت. فدراسیون برای این تصمیم، دلایل متعددی را عنوان کرده بود و به نظر می‌رسید پروسه تایید صلاحیت برخی اعضا با وجود داشتن پرونده‌های مفتوح قضایی، دردسرساز شده بود. ظاهرا رسیدن نامه‌ای به فدراسیون، شرایط را کمی پیچیده کرده بود. به هر حال خبر رسمی این ماجرا در وبسایت فدراسیون درج شد و کامرانی‌فر نیز این تصمیم را علنی کرد. حوالی ساعت چهار صبح اما خبر دیگری در وبسایت فدراسیون قرار گرفت که خبر قبلی را نقض می‌کرد. ظاهرا هیات رئیسه در نیمه‌های شب یک جلسه اضطراری تشکیل داد و تصمیم گرفت انتخابات را در همان زمان مقرر برگزار کند. این در حالی است که هیات رئیسه از مدت‌ها قبل حد نصاب و رسمیت لازم را از دست داده بود.

کاپیتان و یک سفر عجیب

بدون تردید عجیب‌ترین نام حاضر در مجمع فدراسیون فوتبال، احسان حاج‌صفی بود. کاپیتان تیم ملی از تیم باشگاهی‌اش مرخصی گرفت، سوار پرواز یونان به تهران شد، زودتر از همه رای داد و دوباره به فرودگاه رفت تا به یونان برگردد! طی کردن این مسافت فقط به خاطر یک رای، تصمیم بسیار عجیبی به نظر می‌رسید. احسان یکی از منتشرکنندگان استوری حمایت از مهدی تاج در تیم ملی بود و این بار برای پی بردن به رای او، نیازی به زوم کردن دوربین‌ها وجود نداشت. حاج‌صفی در حالی راهی ایران شد که گفته می‌شد در صورت غیبت او، وحید امیری در انتخابات شرکت خواهد کرد. جالب اینکه امیری با یک استوری، حمایتش را از کاپیتانی احسان نشان داد و به هر قیمتی پای خودش را از این ماجرا بیرون کشید.

تاج و اختلاف چشمگیر

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد مهدی تاج توانست انتخابات را به سود خودش به پایان ببرد. از ۸۱ عضو حاضر در مجمع ۵۱ نفر به مهدی تاج رای دادند تا او با اقتدار زیادی ریاست فدراسیون فوتبال را به دست بیاورد. ماجدی نیز تنها ۲۴ رای آورد و شرایط برای عزیز محمدی هم اصلا خوب پیش نرفت. بعد از ماجرای قرارداد مارک ویلموتس و جریمه سنگین فوتبال ایران، تاج برای مدتی به بهانه مشکلات قلبی از فدراسیون کنار رفت و در فوتبال حضور نداشت. او اما دوباره برگشت و حالا بار دیگر به عنوان رئیس جدید معرفی شد. او وعده‌های بزرگی به هواداران داده است. حل کردن مشکلات مالی فدراسیون، پرداخت جریمه‌ها از حساب فوتبال ایران در فیفا، ورود مستمر و بدون دردسر بانوان به ورزشگاه‌ها و همچنین بازگشت استقلال و پرسپولیس به لیگ قهرمانان آسیا، بخشی از وعده‌های این مدیر برای فوتبال ایران هستند. این در حالی است که حرف و حدیث‌های زیادی در مورد این مدیر در پرونده‌های مختلف به گوش می‌رسد.

اولین تصمیم، اولین استعفا

اولین واکنش جدی به انتخاب تاج به عنوان رئیس جدید فدراسیون فوتبال، یک استعفای ضربتی از سوی سرمربی تیم ملی فوتسال بود. وحید شمسایی به محض انتخاب تاج اعلام کرد که دیگر به کار کردن در تیم ملی فوتسال ادامه نمی‌دهد. او دلیل این تصمیم را تفاوت دیدگاه و نقطه‌نظر با تاج و گروهش اعلام کرد. شمسایی تاکید داشت که تاج در دوران حضور در کمیته فوتسال ای‌اف‌اسی قدمی برای فوتسال ایران برنداشته و به دنبال برگزار کردن رقابت‌های مختلف این رشته ورزشی نبوده است. او همچنین به تصمیم‌های تاج در دوران قبلی ریاستش در فدراسیون در حوزه فوتسال معترض بود و اعلام کرد که تحت هیچ شرایطی حاضر به همکاری با این مدیر نیست.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد مهدی تاج توانست انتخابات را به سود خودش به پایان ببرد. از ۸۱ عضو حاضر در مجمع ۵۱ نفر به مهدی تاج رای دادند تا او با اقتدار زیادی ریاست فدراسیون فوتبال را به دست بیاورد

پایان یک دوران

برخلاف دوره‌های قبلی انتخابات، این بار رئیس جدید تنها دو سال برای ماندن در این جایگاه فرصت دارد و بعد از آن، انتخابات دیگری برای معرفی اعضای هیات رئیسه و رئیس جدید برگزار می‌شود. البته تاج، نیامده که برود و احتمالا برای دوران طولانی‌تری در فوتبال ایران خواهد ماند. بازگشت تاج به دوران کامرانی‌فر در فدراسیون نیز پایان می‌دهد. حالا همه او را مسئول ماجرای لغو ناگهانی انتخابات می‌دانند و خود کامرانی‌فر نیز از دبیرکلی فدراسیون فوتبال استعفا کرده است.

سرنوشت نیمکت تیم ملی، لجبازی ادامه دارد

یک نماینده مجلس به نقل از مهدی تاج، کارلوس کی‌روش، برانکو و قلعه‌نویی را گزینه‌های احتمالی نیمکت تیم ملی دانسته است. تاج از مدت‌ها قبل در گفت‌وگوهای مختلف از علاقه‌اش به همکاری با کی‌روش پرده برداشته و بعید نیست دوباره این مربی را جذب کند. البته میرشاد ماجدی که هنوز عضو هیات رییسه فدراسیون به شمار می‌رود، رسما اعلام کرده پای برگه جذب یک مربی خارجی برای تیم ملی را امضا نمی‌کند و خواهان ماندن اسکوچیچ در تیم است. ظاهرا لجبازی بین او و تاج ادامه دارد و شرایط خاصی در هیات رئیسه فدراسیون به وجود خواهد آمد. شاید هم هر دو نفر آنها بر سر جذب یک گزینه داخلی مثل قلعه‌نویی به توافق برسند. به هر حال بعید به نظر می‌رسد که اسکوچیچ به کار در تیم ملی ادامه بدهد. در فاصله اندک تا جام جهانی، بعید نیست که یک انقلاب تمام‌عیار در این تیم اتفاق بیفتد.